

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

چهارشنبه ۴ تیر ۱۴۰۴ • **۲۹ ذی‌الحجه ۱۴۴۶** • **۲۵ ژوئن ۲۰۲۵** • **سال بیست‌ویکم** • **شماره ۵۱۴۱** • **صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷** • **اذان مغرب ۱۹:۴۵** • **اذان صبح فردا ۳:۰۴** • **طلوع آفتاب ۴:۵۰**

www.sharghdaily.com
aparat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

در دل تهران، زیر آسمانی که هنوز هم آبی است

علیرضاکنگرو

قلب‌هایی که بی‌صدا، با هم می‌تپند. در علوم ارتباطات، اصطلاحی هست به نام سرمایه ارتباطی؛ یعنی آن پشتوانه‌ای که از میان اعتماد، همدلی، روایت مشترک و تجربه زیسته بین انسان‌ها شکل می‌گیرد. ما امروز در ایران، سرمایه‌ای داریم که هیچ دشمنی نمی‌تواند آن را بمباران کند؛ سرمایه عاطفی بین ما. همین سرمایه است که ما را عبور خواهد داد. از شب، از ترس، از اضطراب. از حمله، از اندوه، از لرزش. از کالیفرنیا و ویرجینیا گرفته تا مونیخ، از ونگوور و ملیبورن تا نورنبرگ و استانبول؛ پیام‌هایی که در این چند روز دریافت کردم، فقط نشان‌ه رابطه‌ای دوستانه نبود. چیزی فراتر از یک دل‌نگرانی معمولی بود. اشک‌ها و پیام‌های پر از اضطراب، صدای واژه‌هایی که گاه در بغض کم می‌شدند، همه از یک چیز خبر می‌دادند: دل‌هایی که برای وطن می‌تپند، حتی اگر هزاران کیلومتر دورتر از این خاک باشند. اینها پیوندهایی واقعی، عاطفی و ریشه‌دار با سرزمینی است که هنوز نامش، قلب را می‌لرزاند. در نظریه‌های علوم ارتباطات، به‌ویژه در حوزه ارتباطات هویتی، بارها گفته شده «رسانه‌ها فقط انتقال‌دهنده پیام نیستند، بلکه زمینه‌های بازتولید حس تعلقی‌اند». در این روزها، من به چشم دیدم که رسانه چگونه می‌تواند همدلی را منتقل کند. رسانه اگر با صدا، واژه و نیت درست استفاده شود، می‌تواند پلی بسازد میان کسی که در تهران مانده و عزیزی که در آن سوی دنیا، شب‌ها با اخبار وطن می‌خوابد. در چنین بزنگاه‌هایی، کارکرد رسانه‌ها دیگر محدود به اطلاع‌رسانی نیست. همان‌طور که در مطالعات ارتباطات بحران تأکید می‌شود، رسانه‌ها باید بتوانند کارکرد آرام‌سازی و بازسازی روانی جمعی را بر عهده بگیرند. من نیز در این روزها، با تمام توان و آنچه از علوم ارتباطات و سال‌ها کار در پشت میکروفن در رادیو آموخته‌ام، تلاش کردم سهم کوچکی در این کارکرد ایفا کنم. نه به‌عنوان قهرمان، نه حتی به‌عنوان گوینده رادیو، بلکه به‌عنوان یک صدای آشنا در رادیو.

کسی که سعی کرده با کلماتش، با ثن صدایش، با سکوت‌های میان واژه‌ها، برای مردم سرزمینش آرامش بیاورد. در این روزهای پرالتهاب، هر اجرای من در رادیو، نوعی هم‌قدم‌شدن با مردمی بود که شاید هیچ‌گاه من را ندیده‌اند، اما صدایم را می‌شناسند. و همین شناخت، مسئولیت می‌آورد.

حقوق خوانی

نگاهی به ظرفیت‌های قانونی برای دادرسی در شرایط اضطراری



ابراهیم یوبی

وکیل دادگستری

تعیین‌شده دادگاه تشکیل نشود یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیک‌ترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد». قضات می‌توانند با تفسیر موسع عبارت «مانعی برای رسیدگی» به شرایط جنگی و دشواری آموشد، در صورت عدم حضور هر دو طرف یا حتی یکی از آنان، جلسه رسیدگی را تجدید کنند. همچنین در ماده ۴۱ پیش‌بینی شده که در صورت اعلام کتبی وکیل پیش از جلسه، دادگاه با تشخیص عذر موجه، جلسه را تجدید می‌کند. دوم، دادگاه کیفری: حضور در دادگاه کیفری اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا بیشتر دفاعیات شفاهی است. ماده ۲۴۵ «قانون آیین دادرسی کیفری» (۱۳۹۲) بیان می‌کند: «هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در حضاربه ذکر می‌گردد و با قید اینکه نتیجه عدم حضور جلب است، احضار می‌شود. هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه همچنان حضور وی را ضروری بداند، برای روز و ساعت معین جلب می‌شد...» بهتر است در صورت عدم حضور متهم، وکیل او و عدم ارسال لایحه، دادگاه شرایط جنگی را عذر موجه بداند و با تفسیر به نفع متهم، جلسه را تجدید کند. در این صورت امکان ضبط وثیقه یا وجه‌الکفاله هم منتفی می‌شود.

سوم، دادرسا: متهم مکلف است در صورت دریافت احضاریه، نزد بازپرس

از روز اول تهاجم اسرائیل به کشور، رئیس قوه قضائیه در بخش‌نامه‌ای خطاب به رؤسای دادگستری، قوه قضائیه را دستگاه خدمات‌رسان توصیف کرد و خواستار ادامه فعالیت قضات و ایجاد کشیک شبانه‌روزی شد. در ادامه نیز معاون منابع قضایی قوه قضائیه مقرر کرد تا پایان خردادماه با بهره‌مندی از ظرفیت‌های دورکاری، استمرار خدمات‌رسانی حداکثر با حضور ناایمی از کارکنان انجام پذیرد. پرسش بسیاری از شهروندان این است که اگر از سوی مرجع قضائی وقت رسیدگی تعیین شده باشند، آیا جلسه در روز و ساعت مقرر برگزار می‌شود؟ و در صورت برگزاری، نحوه شرکت حضوری بوده یا ارسال لایحه کافی خواهد بود؟ در هر دو بخش‌نامه پاسخی دیده نمی‌شود.

تجربه نگارنده در مراجعه به چند مجتمع قضائی نشان می‌دهد چند روش رایج است: تشکیل جلسه مانند روزهای عادی، عدم حضور قاضی و در نتیجه تجدید جلسه، مکلف‌کردن طرفین دعوا به ارسال لایحه و در نهایت امکان تجدید جلسه با درخواست یک طرف، متأسفانه در تعطیلات پیش‌بینی نشده و شرایط بحرانی، اطلاع‌رسانی قوه قضائیه شفاف و به‌هنگام نیست. در ادامه با توجه به قوانین و مقررات موجود، تلاش می‌شود راهکاری برای دادرسی در شرایط اضطراری در هرکدام از مراجع قضائی پیشنهاد شود.

نخست، دادگاه حقوقی (مدنی): در پرونده‌های حقوقی که بر اساس «قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» (۱۳۷۹) رسیدگی می‌شود، طرفین می‌توانند خود در دادگاه حاضر شوند، وکیل بگیرند یا لایحه ارسال کنند. ولی در مواردی عدم حضور طرفین مشکل‌ساز خواهد بود: اگر مستند دادخواست سند عادی باشد، باید در جلسه اول ارائه شود. همچنین در مواردی دادرس نیاز به اخذ توضیح از خواهان دارد. همین‌طور خوانده حق دارد در جلسه نخستین رسیدگی، دعای تقابل طرح کند. در ماده ۹۹ این اختیار به دادگاه داده شده که با رضایت اصحاب دعوا، یک بار جلسه دادرسی را به تأخیر اندازد. اما اگر یکی از طرفین به دلیل شرایط اضطراری در جلسه حاضر نبود تکلیف چیست؟ در ماده ۱۰۰ گفته شده: «هرگاه در وقت

۵۰ مجروح حادثه را به بیمارستان منتقل کردند.

۵۳۳۲ مجروح

ایلنا: محمدرضا ظفرقندی اعلام کرد: پنج‌هزارو ۳۳۲ مجروح حملات اسرائیل به ایران پس از درمان مرخص شدند. اما در حملات روز دوشنبه و ساعات آغازین روز سه‌شنبه، هزارو ۳۴۲ نفر مجروح شدند و ۱۰۷ نفر نیز به شهادت رسیدند. در این ایام و برای حفظ جان بیماران، سه بیمارستان در معرض خطر را تخلیه کردیم. او به حادثه انفجار در میدان قدس تهران اشاره و گفت: کادر سلامت بیمارستان شهدای تجریش با حضور در میدان قدس و مدت یک ساعت، ۵۰ مجروح حادثه را به بیمارستان منتقل کردند.

پس از پذیرش آتش‌بس، به‌جز برخی، ازجمله کاربران ایرانی وابسته به سلطنت‌طلبان، بیشتر کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی از آن استقبال کرده‌اند. اما هم‌زمان با استقبال از آتش‌بس، نگرانی‌هایشان را نیز نوشته‌اند که این نگرانی‌ها شامل طیف وسیعی از مطالبات است.

با این حال تقدیر از نیروهای دفاعی کشور هم در میان توییته‌ها دیده می‌شود.

اغلب کاربران معتقدند تجاوز اسرائیل به ایران باعث همدلی، اتحاد و هم‌گرایی بین ایرانیان شد و انتظار دارند که حکومت قدر این هم‌گرایی را بداند. یک نفر توییت زده است: چه خوشمان بیاید یا نه، جنگ با اسرائیل ادامه دارد؛ ولی به‌شدت پیچیده‌تر از این ۱۲ روز راه و مسیر یکی است: مردم. کاربری نوشته است: این مردم مردانگی کردند، قدرشان را بدانید.

دیگری هم نوشته: حاکمان فراموش نکنند این مردم رعیت نبودند، بهترین ملت بودند و لایق بهترین‌ها هستند. از حاکمیت گرفته تا نانی که نانوا دست آنها می‌دهد باید بهترین باشد.

برخی کاربران نگران شکنندگی آتش‌بس بودند. کاربری نوشته است: من فکر می‌کردم اسرائیل زودتر آتش‌بس رو بشکنه چون به خواسته‌اش نرسیده. یکی از نگرانی‌های بخشی از کاربران از بین رفتن پدافند هوایی ایران و تجهیز سریع آن است. کاربری نوشته: اگه واقعا آتش‌بس برقرار بشه باید اولویت‌های کشور تغییر کنه.

دیگری نوشته است: هزاران هزار مهندس جوان ایرانی در سراسر ایران و دنیا حالا حاضرند، برخلاف دو هفته پیش، برای ساختن پدافند هوایی تمام عمر خود را وقف کنند...

نفسیه آزاد هم با نگاهی به آینده نوشته است: اگر شهردار تهران بודم امروز کنفرانس خبری برگزار می‌کردم، گزارش دقیقی از وضعیت تهران می‌دادم. در اقداماتی‌که انجام شده و انجام خواهد شد، متخصصان را دعوت می‌کردم تا در بازسازی مشارکت کنند و امکان بازدید خبرنگاران از سایت‌های ویران‌شده در اثر تجاوز جنگی را فراهم می‌کردم. کاربری هم به مخاطبانش توصیه کرده تا این روزها کسب‌وکارهای خاصی را فراموش نکنند؛ بچه‌ها! خرید غیرضروری نکن. غیرضروری‌فروش‌ها دارن ورشکست می‌شن. کمک کنیم چرخ همه بچرخه. تعدادی از کاربران هم به تمجید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه پرداخته‌اند. در شبکه‌های اجتماعی اختلاف بین دیدگاه‌های مختلف هم فراوان است.

برای بسیاری تجاوز اسرائیل به ایران به عنوان یک حادثه تعیین‌کننده بود. کاربری نوشته است: این جنگ نمود شده باشه یا نه، حقارت بعضی آدم‌ها رو هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم.

برای بعضی هم پایان جنگ فرصت دوباره دیدن زیبایی‌های ایران و تهران را فراهم کرده است. صدرا محقق نوشته بود: که این‌جنگ واقعا تموم شده باشه، به نظرم از این به بعد تهران خیلی بیشتر دوست داشته می‌شه.

اما نگاه انسانی به موضوع هم کم نبود. کاربری نوشته است: آنچه برای من مهم است در هر کنششی، «کاستن از رنج و درد انسان‌ها» است. پس از جنگ، هرکسی بر طبل پیروزی می‌کوبد و روایت ما پیروز شدیم، می‌سازند. همه پیروزی‌ها و فتوحات و جوایز و نشان‌ها برای شما، بگذارید انسان‌ها کمتر رنج بکشند. در روزهای گذشته نیز اسماعیل حسن‌زاده (ستاد دانشگاه الزهرا) در یادداشتی نوشته است: طی هزاران سال، ایران همواره صحنه بحران‌ها و چالش‌های فراوانی بوده است؛ از هجوم اقوام و امپراتوری‌ها گرفته تا تحولات سیاسی و اجتماعی پیچیده. با وجود این، این بحران‌ها نه‌تنها موجب تضعیف این سرزمین نشده‌اند، بلکه به فرصتی برای بازسازی هویت، تقویت وحدت و خلق قهرمانانی بزرگ بدل شده‌اند که حافظ جان و فرهنگ ایران بوده‌اند. بی‌تردید ایران بار دیگر از خاکستر آتشی که اهریمنان بر افروخته‌اند، سر برخواهد افراشت و به پرواز درخواهد آمد. در چنین بزنگاه‌هایی روح ایران با قوت بیشتری به پا خاسته و مسیر تاریخ را به نفع خود رقم زده است.

اتفاق خوانی

وقتی خبرها آدم می‌کشند

احمد افروز: در هر جنگی، روایت‌ها زودتر از گلوله‌ها به هدف می‌رسند. امروزه، دیگر نمی‌توان از «میدان نبرد» حرف زد، بی‌آنکه رسانه‌ها را به عنوان بخشی از خط مقدم نشناخت. در روزهایی که صدای آژیر و خبرهای داغ جنگ‌کوش‌مان را پر کرده، خیلی چیزها از دیدمان پنهان می‌ماند. درست وسط میدان نبرد، یک جنگ دیگر در جریان است؛ بی‌صدا، بی‌مرز، اما ویرانگر. جنگی که در رسانه‌ها دیده نمی‌شود. اما در جان آدم‌ها رسوخ می‌کند؛ جنگ روانی. اینجا سلاح نه موشک است و نه تانک، بلکه یک تپتر، یک خبر فوری، یا یک تحلیل پرباب‌وتساب می‌تواند روان آدم‌ها را منفجر کند. تجربه نشان داده است که برخی رسانه‌ها، خواسته یا ناخواسته، بخشی از ماشین جنگی می‌شوند؛ نه با اسلحه، که با روایت. پیامد این تغییر نقش، چیزی نیست جز تخریب تدریجی روان انسان‌ها؛ روان‌هایی که هر روز با ترس، اضطراب، بی‌اعتمادی و خستگی ذهنی بیشتری از خواب بیدار می‌شوند. مطالعات حوزه روان‌شناسی رسانه و نظریه‌های ارتباطات جمعی، به‌ویژه آنچه در چارچوب «بمباران ذهنی» یا «خشونت نمادین» معرفی شده‌اند، به‌روشنی هشدار می‌دهند که تکرار بی‌وقفه تصاویر خشونت‌آمیز، اغراق در خطر و روایت‌های جهت‌دار، به شکل‌گیری فضای روانی بیمار منجر می‌شود. فضایی که در آن مردم دچار بی‌حسی هیجانی، ناامیدی جمعی و حتی فروپاشی اعتماد به واقعیت می‌شوند. در نظریه‌های کلاسیک ارتباطات، ازجمله نگاه «تالکوت پارسونز» در مدل کارکردگرایی، رسانه‌ها در زمان بحران باید نقش آرام‌کننده و انسجام‌بخش ایفا کنند، نه آنکه نمک روی زخم باشند. حالا وقت آن است که دوباره این سؤال را از خودمان بپرسیم: رسانه برای چه کسی و به نفع چه کسی کار می‌کند؟

برخی رسانه‌ها با تولید انبوه اطلاعات، بدون پالایش دقیق و بدون مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ذهن مخاطب را به میدان ریزش داده‌های متناقض تبدیل می‌کنند. آنها به‌جای آرام‌سازی جامعه، به سوخت بحران دامن می‌زنند. در این فرایند، مخاطب دیگر نمی‌داند چه چیزی را باور کند، چه چیزی را نادیده بگیرد و به چه کسی اعتماد کند. این همان نقطه‌ای است که فروپاشی روان جمعی آغاز می‌شود. شاید یکی از خطرناک‌ترین وجوه این وضعیت، عادی‌سازی خشونت باشد. وقتی تصاویر اجساد، آوارگی، انفجار و خون‌ریزی، با فرکانس بالا تکرار می‌شوند، ذهن مخاطب رفته‌رفته نسبت به آنها بی‌تفاوت می‌شود. این بی‌تفاوتی نوعی دفاع روانی است، اما پیامد آن، زوال همدلی و تحلیل رفتن ظرفیت انسانی برای همدردی است. جامعه‌ای که همدلی‌اش را از دست بدهد، خیلی زود دچار گسست درونی می‌شود.

سوی دیگر، تأثیر رسانه‌ها فقط فردی نیست، بلکه اجتماعی است. جامعه‌های که زیر فشار دائمی اضطراب رسانه‌ای قرار دارد، به‌تدریج تاب‌آوری‌اش را از دست می‌دهد. تصمیم‌گیری‌های عمومی از منطق فاصله می‌گیرند، رفتارهای جمعی هیجانی‌تر می‌شوند و دیالوگ اجتماعی جای خود را به قطب‌بندی و خصومت می‌دهد. به بیان ساده‌تر، برخی رسانه‌ها نه‌تنها روان افراد، بلکه ساختار روانی جامعه را هم فرسوده می‌کنند. در چنین شرایطی، وظیفه رسانه‌ها فقط بازتاب‌دادن واقعیت نیست، بلکه محافظت از سلامت روانی جامعه نیز هست. اطلاع‌رسانی مسئولانه، ارائه روایت‌های انسانی، پرهیز از هیجان‌زدگی و پرنرگ‌کردن ابعاد همدلی و گفت‌وگو، اقداماتی حیاتی برای حفظ پیوندهای اجتماعی در روزگار است. رسانه‌ها اگر خود را جدی می‌گیرند، باید درک کنند که هر تصویر، هر تپتر و هر خبر، می‌تواند اثری عمیق‌تر از یک حمله فیزیکی بر روان جامعه بگذارد. رسانه، اگر هم‌صدا با انسانیت نباشد، خود به بخشی از خشونت تبدیل می‌شود. این روزها، بیش از هر زمان دیگری، ما به رسانه‌هایی نیاز داریم که نه‌تنها «آنچه هست» را نشان دهند، بلکه مراقب باشند «چه می‌کند» با روان آدم‌ها. رسانه‌هایی که نان را از ترس مردم برند، مخاطب را تهدید نکنند فقط دنبال کلیک و بازدید نباشند. رسانه‌هایی که بفهمند خبر هم می‌تواند زخمی بزند عمیق‌تر از جنگ. جنگ، با همه تبعات ویرانگرش، می‌گذرد؛ اما آنچه در حافظه جمعی و ناخودکاه ملت‌ها می‌ماند، نه‌فقط صدای آژیر و تصویر انفجار، بلکه ترس‌ای است که در دل‌ها کاشته شد. اعتمادی که از بین رفت و حقیقتی که در غبار جنگ رسانه‌ای کم شد. در پایان، ضمن تنقیح جنگ و همه اشک خشونت، چه در میدان نبرد و چه در اتاق خبر، باید به این باور برسیم که در دنیای امروز، مرز میان گلوله و کلمه، پهباد و پیام، باروت و توییט آن‌قدر باریک شده که گاه کشتار حقیقی در سکوت سطرها ی یک خبر اتفاقی می‌افتد.

۵۰۰ خانه

استاندار تهران با اشاره به تشکیل ستاد بحران در استان تهران گفت: تعداد زیادی از منازل مسکونی مردم تخریب شده که بیش از ۱۲۰ واحد مسکونی به‌طور کامل تخریب و بیش از ۵۰۰ واحد دیگر دچار خسارت جدی شده‌اند. بیش از ۲۵۰ آپکب عملیاتی آماده خدمت‌رسانی در حوزه‌های مختلف بودند. زیرساخت‌ها آسیب جدی دید. به عنوان مثال در میدان قدس تجریش، سه خط اصلی آبرسانی تخریب شد که در کوتاه‌ترین زمان ممکن بازسازی و نوسازی شد.